


Analysis and investigation of obstacles and solutions of migration in religious teachings

Sayed Mojtaba Jalali

Assistant Professor, Department of Islamic Education, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord Branch, Shahrekord University, Shahrekord, Iran (Corresponding author).

s.m.jalali@sku.ac.ir

 0000-0002-3435-5817

Sayed Mahdi Hashemi

A graduate of four specialized centers for the interpretation of the seminary of Qom, Qom, Iran.

Mahdi1361110@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

One of the widely used indicators in the field of Islamic teachings is the issue of migration, which is mentioned in the interpretation of the revealed verses. In the course of his life, according to various events and different goals, a person migrates, which in its value sense is moving towards the transcendental society. The topic of the article is to investigate the category of migration based on religious teachings. The purpose of writing the article is to examine migration from a religious point of view and explain the obstacles and solutions related to it. The research question is how religious teachings approach the issue of migration. The method used in the article is applied and developed with a descriptive and analytical approach. The results of the research show that the barriers to migration such as; Fear of death, attachment to the world (surroundings, property and family), comfort seeking, lack of living expenses, alienation, evil temptations, with the reference and application of religious solutions in areas related to each other: preventing fear of death, avoiding attachment, staying away from Seeking convenience, reducing cost concerns, managing homesickness and dealing with temptation can be solved. At the same time, migration with its many dimensions such as; Acquiring knowledge, preserving religion, emigrating from oppressors, emigrating from sin, emigrating to God, has led to the initial creation and expansion of prosperity in every society.

Keywords: Emigration, Religious Teachings, Obstacles, Solutions.

تحلیل و بررسی موانع و راهکارهای هجرت در آموزه‌های دینی

سیدمجتبی جلالی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول).
s.m.jalali@sku.ac.ir

ORCID: 0000-0002-3435-5817

سیدمهدی هاشمی

دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم، قم، ایران.
Mahdi1361110@yahoo.com

ORCID: 0000-0000-0000-0000

چکیده

از شاخصه‌های پرکاربرد در حوزه آموزه‌های اسلامی، مسئله هجرت است که در تفسیر آیات و حیانی مورد اشاره قرار گرفته شده است. انسان در سیر زندگانی خود با توجه به رویدادهای گوناگون و اهداف مختلف، اقدام به هجرت می‌کند که به معنای ارزشی خود، حرکت به سمت جامعه متعالی است. موضوع مقاله بررسی مقوله هجرت بر اساس آموزه‌های دینی است. هدف نگارش مقاله بررسی هجرت از منظر دینی و تبیین موانع و راهکارهای مربوط به آن است. سؤال پژوهش چگونگی رویکرد آموزه‌های دینی به مسئله هجرت است. روش مورد استفاده در مقاله به صورت کاربردی و توسعه‌ای با رویکرد توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که موانع هجرت نظیر؛ ترس از مرگ، دل‌بستگی به دنیا (اطرفیان؛ مال و عیال)، راحت‌طلبی، فقدان هزینه زندگی، غربت، وسوسه‌های شیطانی، با استناد و اعمال راهکارهای دینی در حوزه‌هایی مرتبط با هریک نظیر: جلوگیری از مرگ‌هراسی، پرهیز از دل‌بستگی، دوری از راحت‌طلبی، کاهش نگرانی هزینه، مدیریت مسئله غربت و مقابله با وسوسه قابل رفع‌اند. ضمن آنکه هجرت با ابعاد متعددش همچون؛ فراگیری دانش، حفظ دین، هجرت از ظالمان، هجرت از گناه، هجرت به سوی خدا، منجر به ایجاد اولیه و بسط شکوفایی در هر جامعه بوده است.

کلیدواژه‌ها: هجرت، آموزه‌های دینی، موانع، راهکارها.

مقدمه و بیان مسئله

در بین همه موجودهای زنده، به هنگام خطر در موجودیت، «هجرت» وجود دارد. نه تنها انسان‌ها، بلکه در میان جانداران دیگر نیز مهاجرت مطرح است. علاوه بر حیات مادی هنگامی که حیات معنوی، حیثیت و اهدافی مقدس به خطر افتاد، هجرت امری ضروری می‌نماید (ن.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۱۲۱). انسان‌ها در طول حیات خود با توجه به شرایط و اقتضاهای گوناگونی چون؛ ضعف‌ها، کمبودها، فراهم نبودن شرایط، نامساعد بودن محیط‌ها و... یا اهدافی نظیر: موفقیت، یافتن راه صحیح‌تر، خلاصی از بحران‌ها دست به هجرت می‌زنند. این حرکت از بدو تاریخ و از هجرت انسان‌ها به اماکن مختلف و سرزمین‌های متعدد وجود داشته و تا زمان حاضر نیز با اهداف مختلف اجتماعی، اقتصادی و... در حال جریان است. هجرت به معنای ارزشی خود به معنی گریز از وضعیت فعلی نیست، بلکه حرکت به سمت جامعه‌ای تعالی یافته و دارای پیوند با شکوفایی اسلامی است. این مسئله در آغاز بعثت به عنوان مبدأ تاریخ اسلام (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۱۲) و به دستور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز انجام گرفت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۱۴۴). اولین هجرت مسلمانان، مهاجرت عده‌ای از پیروان رسول اکرم از مکه به حبشه است که در اثر آزار و شکنجه قریش و به دستور پیامبر در سال پنجم بعثت رخ داد. شمار مهاجرین به قول طبری، ۷۲ تن و بنا به اخبار دیگر ۱۲۰ تن بود (ن.ک: طبری، ۱۳۷۵). هجرت مبدأ تاریخ مسلمانان و زیربنای حوادث سیاسی، تبلیغی و اجتماعی آنان است. هر ملت دارای مبدأ تاریخی است؛ مثلاً، مسیحیان مبدأ تاریخ خود را میلاد حضرت مسیح (علیه‌السلام) قرار داده‌اند و در اسلام با آنکه که حوادث مهمی چون؛ ولادت پیامبر اسلام، بعثت، فتح مکه و رحلت ایشان، بوده، زمان هجرت پیامبر اکرم به عنوان مبدأ تاریخ انتخاب شد و مسلمانان تمام حوادث را با سال هجری تعیین می‌کردند. از دیدگاه طبری و یعقوبی در زمان خلیفه دوم با توسعه اسلام، تعیین مبدأ تاریخی، پس از گفتگوی فراوان، با نظر امام علی (علیه‌السلام) دائر بر انتخاب هجرت به عنوان مبدأ تاریخ موافقت شد (طبری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، صص. ۳ و ۵۱۶؛ یعقوبی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۲۹). شرایط به‌سامان یا نابسامان حیات دنیوی انسان‌ها گاهی موجب یکنواختی یا رکود و عدم حرکت پویا در زندگی می‌شود که

گاهی زمینه‌سازی چالش یا انحراف از مسیر صحیح را به‌دنبال خود دارد؛ لذا این رکود، توقف و عدم حرکت نیازمند یک محرک و تازه‌سازی است، همچنین وجود و یا ایجاد زمینه فکری در حوزه معرفت‌شناسی افراد و ایجاد راهکار روشنگر در زمینه چالش بن‌بست‌های فکری در زندگی و یا در زمینه فواید و مخاطره‌های اجتماعی و تعامل‌های افراد با یکدیگر در زمان یا مکان‌های متفاوت، همگی ضرورت انتخاب موضوع حاضر را اقتضاء دارد، در واقع بر اساس حکم آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا لِمَ تَكُنُّ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء / آیه ۹۷). انسان در طول زندگی‌اش و در برابر خویش مسیر منسد شده‌ای ندارد و چنانچه در موقعیت و فضایی قرار گیرد که آن فضا مانع از عملی‌سازی مسیر حق و صحیح و سلوک و گام نهادن در آن شود، ملزم و مأمور به خروج از آن وضعیت و ورود به مرحله‌ای تازه و جدید است که از آن با کلیدواژه «هجرت» یاد می‌کنیم که در عین ملامت و سختی‌ها، دارای آثار و فواید بسیار و مورد تأکید در آموزه‌های دینی است. بر این مبنا مسئله هجرت از با ارزش‌ترین آموزه‌ها و مفاهیم عقلانی و دینی است که از بدو تاریخ نه‌تنها در انسان بلکه در سایر موجودها همچون حیوان‌ها و پرندگان نیز وجود داشته است. با توجه به اهمیت این موضوع و پیوند آن با شکوفایی اسلامی، مسئله پژوهش حاضر هجرت از منظر دینی و تبیین موانع و پیشنهاد راهکارهای مرتبط با آن است.

۱. هدف و سؤال‌های پژوهش

از اهداف پژوهش می‌توان به تبیین نقش پررنگ هجرت در آموزه‌های دینی و تأثیر مهم آن در رویدادهای مختلف دینی، اجتماعی... و بیان موانع و راهکارهای مطرح شده قرآنی آن اشاره کرد. نوآوری‌های پژوهش تبیین شاخصه‌های آموزه دینی هجرت در قرآن و بهره‌گیری از همان آموزه‌ها در جهت رفع موانع آن است.

سؤال اصلی پژوهش چگونگی رویکرد آموزه‌های دینی به مسئله هجرت است که به تبع آن سؤال‌هایی چون؛ موانع هجرت و راهکارهای مرتبط با آن بررسی خواهد شد. از مفروض‌های پژوهش می‌توان به: الف) کارآمدی هجرت در پیشرفت و توسعه ساختار اجتماعی، فرهنگی و... جوامع و ب) تأکید آموزه‌های دینی بر مسئله هجرت به‌عنوان یک رکن مهم اشاره کرد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش کتاب‌ها و مقاله‌هایی به رشته تحریر درآمده که از آن میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد؛

از معدود کتاب‌هایی که در رابطه با هجرت به صورت مستقل بحث کرده است.	به قلم احزمی سامعون	کتاب الهجره فی القرآن الکریم
که به موضوع هجرت پیامبر و مراحل دعوت پیامبر قبل از هجرت و اسباب هجرت آن حضرت پرداخته است.	از محمد الدسوقی	کتاب الهجره فی القرآن
در تبیین میزان اهمیت هجرت و جهاد در دین اسلام با رویکرد بر ارزش هجرت و جهاد و تأثیر آنها در تکمیل و تربیت روح انسان از جهت اخلاقی و اجتماعی است.	از شهید مرتضی مطهری	کتاب هجرت و جهاد
گزارشی از هجرت رسول اکرم و صحابه ایشان از شهر مکه به مدینه.	النجولی	کتاب هجره الرسول و صحابته فی القرآن و السنه
با رویکردی بر نقش هجرت بر کمال انسان و جایگاه هجرت و کلمات مساوق و مرادف آن در در علوم مختلف و اهمیت آن.	نوشته فاطمه کسایی، ۱۳۸۳	مقاله هجرت در قرآن و منظرهای مختلف
با رویکردی بر تبیین توقف هجرت درونی بر هجرت برونی.	نوشته محمد صادق واحدی، ۱۳۷۹	مقاله فرهنگ و میراث فرهنگی: هجرت و عبرت
با رویکردی اخلاقی بر مسئله هجرت.	نوشته سید حسن دبیر حاج سید جوادی، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، ۱۳۵۸	مقاله هجرت
با رویکردی تربیتی اخلاقی به مسئله هجرت.	نوشته مریم خداپرست، رشد معلم، ۱۳۷۰	مقاله هجرت
رویکردی تاریخی تربیتی به مسئله هجرت.	نوشته حکیم سعید، پیام یونسکو، ۱۳۶۰	مقاله هجرت

به‌رغم شیوایی و ارزشمندی کتاب‌ها و مقاله‌های گذشته، پژوهش حاضر اما بر آن است که در عین احصاء آموزه‌های دینی پیرامون هجرت، به تبیین راهکار رفع موانع آن بپردازد که از برجستگی‌هایی این مقاله محسوب می‌شود.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. تعریف مفاهیم

هجرت در لغت مشتق از «هَجَرَ» و به معنی قطع و جدایی در برابر وصل است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص. ۳۴). «هَجَرَ» (به ضم) به معنی کلام بی معنا (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص. ۴۶۸) و هذیان (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص. ۳۷۳) است؛ لذا حدیث «مَنْ أَكْثَرَ هَجْرًا» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص. ۷۹) از همین معناست، یعنی هر کس زیاد سخن گوید گرفتار هذیان گویی می‌شود. براین اساس مهاجرت در اصل به معنای ترک و بریدن از غیر است؛ چه فیزیکی؛ «واهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (نساء / آیه ۳۴)، یا به زبان یا قلب؛ «إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان / آیه ۳۰). گاهی بریدن از غیر، با هر سه (قلب، زبان و بدن) است؛ «واهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزل / آیه ۱۰) که هجرت شامل هر سه می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۳۴).

با توجه به معنانشناسی، هجرت در لغت ضد وصل (ابن اثیر، ۱۳۶۷ق، ج ۶، ص. ۲۴۴) و به معنی مفارقت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص. ۴۱۱)، متارکت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۳۴) از شهر به شهری دیگر (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۶۳). اما اصطلاح هجرت خروج از سرزمینی به سرزمین دیگر است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۲۵۱) نظیر هجرت از سرزمین کفر به اسلامی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۳۴). برخی لغت‌شناسان در هجرت قصد قربت را ملاک دانسته‌اند و کسی را مهاجر می‌دانند که برای خدا و خالصانه از کاشانه و خانه خود خارج شود (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۲۸۳). براین اساس هجرت به معنای مفارقت و متارکت از سرزمینی به سرزمین دیگر است که گاه قصد قربت نیز در معنای آن مندرج است.

۳-۲. مبانی یا چهارچوب نظری

هجرت به عنوان دستوری سازنده در آموزه‌های دینی از نقش پررنگ و مهمی برخوردار است. منظور از آموزه‌های دینی در پژوهش حاضر تلفیقی از آیه‌ها، روایت‌ها و نظریه‌های اندیشمندان اسلامی است که می‌تواند در رسیدن به پاسخ به سؤال‌های پژوهش نقشی راهبردی ایفا کند.

در بیش از ۱۴ آیه قرآن (آل عمران / آیه ۱۹۵؛ انفال / آیات ۷۲، ۷۴، ۷۵؛ توبه /

آیه ۲۰؛ نحل / آیات ۴۱، ۱۱۰ و... به بیان‌های مختلف مطرح شده است. گاه با زبان ملامت؛ «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا: مگر سرزمین خدا گسترده نبود، چرا دست به هجرت نزدیدی؟ (نساء / آیه ۹۷). گاهی پاداش عظیم آن را گوشزد می‌کند؛ «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ: آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند، درجه بزرگ‌تری نزد خدا دارند و آنها رستگارانند (توبه / آیه ۲۰).

قرآن بهانه‌جویی در خصوص عدم هجرت را نپذیرفته و گستره وسیع جهان را جهت هجرت به‌عنوان امری مهیا بر هجرت معرفی کرده است؛ «إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء / آیه ۹۷). با توجه به سیاق منظور ظلم به خویشان است که بر اثر بی‌توجهی به دین خدا و شعائر الهی به‌واسطه زندگی در سرزمین شرک و کفر به‌وجود می‌آید؛ لذا استصغاف مطلق نبوده بلکه استصغافی توأم با سهل‌انگاری از هجرت به سرزمین ایمان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص. ۷۶).

در آیه ۱۰۰ سوره «نساء» خدای متعال به آثار و برکات هجرت در زندگی این جهان اشاره دارد؛ «وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسِعَةً؛ کسانی که در راه خدا و برای خدا مهاجرت کنند، در این جهان پهناور خدا، نقاط امن فراوان و وسیع پیدا می‌کنند که می‌توانند حق را در آنجا اجراء کنند و بینی مخالفان را به خاک بمالند. در ادامه به جنبه معنوی و اخروی مهاجرت اشاره داشته، می‌فرماید: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ کسی که از خانه و وطن خود به قصد مهاجرت به‌سوی خدا و پیامبر خارج شود و پیش از رسیدن به هجرت‌گاه، مرگ او را فرا گیرد، اجر و پاداش وی بر خدا است، و خداوند گناهان او را می‌بخشد».

براین‌اساس مهاجران در هر صورت به پیروزی بزرگی نائل می‌گردند، چه بتوانند خود را به مقصد برسانند و از آزادی و حریت در انجام وظایف بهره‌گیرند و چه نتوانند و جان خود را در این راه از دست بدهند، و با اینکه تمام پاداش‌های نیکوکاران بر خدا

است، ولی در اینجا به خصوص به این موضوع تصریح شده؛ «فَقَدْ وَقَعَ أُجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»؛ پاداش او بر خدا لازم شده است و این نهایت عظمت و اهمیت پاداش مهاجران را روشن می‌سازد.

طبق آیات قرآن، اسلام به‌صراحت دستور می‌دهد اگر به‌خاطر عواملی در محیطی نتوانستید آنچه وظیفه دارید انجام دهید، به محیط و منطقه امن دیگری «هجرت» کنید. علت این دستور روشن است؛ زیرا اسلام جنبه منطقه‌ای ندارد، و وابسته و محدود به مکان و محیط معینی نیست. به‌این‌ترتیب، از دیدگاه اسلام علاقه‌های افراطی به محیط تولد، زادگاه و دیگر علائق مختلف نمی‌تواند مانع از هجرت مسلمان باشد؛ لذا ملاحظه می‌شود که در صدر اسلام، همه علاقه‌ها به دلیل حفظ و پیشرفت اسلام بریده شد (ن‌ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۱۲۱).

اساساً قرآن، هجرت را مایه پیدایش آزادی و آسایش می‌داند و در سوره «نحل» آیه ۴۱ نیز بیان دیگر این حقیقت ذکر شده: «وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» و آنها که مورد ستم واقع شدند و به‌دنبال آن در راه خدا مهاجرت اختیار کردند جایگاه پاکیزه‌ای در دنیا خواهند داشت.

این نکته نیز لازم به ذکر است، که هجرت از نظر اسلام، تنها هجرت مکانی و خارجی نیست، بلکه باید پیش از این هجرت، هجرتی از درون آغاز شود، و آن «هجرت» و «دوری» از اموری است که منافات با اصالت و افتخارات انسانی دارد، تا در سایه آن، برای هجرت خارجی و مکانی آماده شود و این هجرت لازم است، تا اگر نیازی به هجرت مکانی نداشت، در پرتو این هجرت درونی در صف مهاجران راه خدا در آید.

اصولاً روح هجرت، همان فرار از «ظلمت» به «نور»، از کفر به ایمان، از گناه و نافرمانی به اطاعت فرمان خدا است، لذا در احادیث می‌خوانیم: مهاجرانی که جسمشان هجرت کرده، اما در درون و روح خود هجرتی نداشته‌اند، در صف مهاجران نیستند و به عکس آنها که نیازی به هجرت مکانی نداشته‌اند، اما دست به هجرت در درون وجود خود زده اند، در زمره مهاجرانند. پیامبر اکرم فرمودند: «مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شَيْبَرًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ وَ كَانَ رَفِيقَ مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؛ کسی که برای حفظ آئین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر (حتی به اندازه یک وجب) مهاجرت کند استحقاق بهشت می‌یابد و یار و همنشین محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ابراهیم (علیه‌السلام) خواهد بود»؛ زیرا این دو پیامبر بزرگ پیشوای مهاجران جهان بودند (عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص. ۵۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص. ۳۱؛

فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص. ۴۹۰؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص. ۳۴۷). همچنان که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «أَنَّهَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَ لَمْ يَأْتُوا بِهَا؛ مهاجران واقعی آنها هستند که از گناهان هجرت می‌کنند، و مرتکب آن نمی‌شوند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص. ۴۸۸).

۴. روش پژوهش

روش پژوهش به صورت کاربردی و توسعه‌ای با رویکرد توصیفی و تحلیلی است. در نوشتار حاضر با هدف بیان اهمیت موضوع و میزان کاربردی بودن آن در سطوح مختلف جوامع و همچنین تبیین الگو در جهت توسعه‌یافتگی مبحث هجرت و تعامل آن با الگوی پیشرفت، پس از توصیف و تبیین مفهوم‌شناسی هجرت، به تبیین موانع هجرت از نگاه آموزه‌های دینی و بیان راهکارهای برون‌رفت از آن پرداخته شده و در تحلیل آن به میزان و نقش ارتباطش با مباحث پیشرفت و شکوفایی اشاره خواهد شد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. موانع هجرت

سؤال فرعی اول پژوهش در خصوص موانع هجرت است که عمدتاً به صورت یک امر شناختی و کلی و برای افراد مشتاق یا عازم بر هجرت به عنوان مصداقی از یک چالش بزرگ به شمار می‌آید. در تبیین و بررسی این مسئله باید گفت که هجرت به عنوان یکی از دستوره‌های سازنده و مترقی دین اسلام از نگاه قرآن کریم دارای موانعی است که ضمن احصاء آنها از آیات قرآن به تبیین راهکار آنها پرداخته خواهد شد.

۵-۱-۱. ترس از مرگ

از موانع هجرت ترس از مرگ است. عواملی متعدد، همچون عدم شناخت حقیقت مرگ در این امر دخیل‌اند. قرآن با بیان ماهیت مرگ، انسان را با این حقیقت آشنا می‌سازد. امام حسین (علیه‌السلام) در معرفی مرگ به اصحاب خویش فرمودند: مرگ همانند پلی است که انسان را از دنیا به آخرت عبور می‌دهد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ص. ۵۲). عده‌ای از مسلمانان در برابر دستور هجرت خدای تعالی؛ «يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ (عنکبوت / آیه ۵۶) تمکین نکرده و ترس از مرگ را مانع هجرت خود از بلاد شرک قرار دادند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص. ۱۲۳).

البته ترس از مرگ عوامل دیگری همچون آبادانی دنیا و خرابی آخرت دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۴۵۸) اما آنان که آخرت را آباد کردند نه تنها هراسی از مرگ ندارند، بلکه شیفته آن هستند، چنان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) سوگند یاد کردند که انس ایشان به مرگ از انس طفل به سینه مادرش بیشتر است (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۵) و با این باور بود که شب هجرت رسول خدا بی‌واهمه از مرگ در بستر پیامبر خوابیدند و در فضیلتشان آیه نازل می‌شود؛ «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره / آیه ۲۰۷) (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۴۶). همچون امامیه برخی از اهل سنت معتقدند که آیه در فضیلت امام علی (علیه السلام) است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۴۹۲).

۵-۱-۲. دل بستگی به دنیا

هجرت همانند هر پدیده دیگری با مشکلات و معضلاتی مواجه است که شناختن و بیان آنها کمک شایانی به این پویای الهی دارد؛ از موانع بزرگ این مسیر دل بستگی به دنیا است که نه تنها در هجرت بلکه در امور دیگری همچون: جهاد، انفاق و... رخ‌نمایی می‌کند. واله دنیا بودن از موانعی بوده که انسان مهاجر را متوقف ساخته و از عملی شدن دستور خدا و رسولش ممانعت می‌کند.

دنیا در آموزه‌های دینی به دو قسمت ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود؛

الف. دنیای ممدوح بهره بردن از نعمت‌ها و دنیا را سپر تعالی و رشد در قیامت قرار دادن است.

ب. دنیای مذموم، خیال‌ها و اوهام، افتخار به ثروت، برتری‌طلبی‌ها، مقام، لقب که همچون سراب، واقعیتی نداشته و انسان را از یاد خدا غافل می‌کند. دنیای مذموم در فرهنگ و حیانی، امری غیر از زمین و آسمان و... است؛ زیرا آنها از آیات الهی و امور حقیقی‌اند که قرآن (ذاریات / آیات ۲۱-۲۰؛ جاثیه / آیات ۴-۳) از آنها به بزرگی یاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶).

امام علی (علیه السلام) فرمودند: دنیا برای کسی که آن را راستگو انگاشت خانه صدق است و برای کسی که آن را شناخت و باور داشت خانه تندرستی است و برای کسی که از آن توشه اندوخت خانه بی‌نیازی است؛ و برای آنکه از آن پند آموخت و خانه پند است (شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص. ۴۳۹)؛ لذا امری که انسان را از مسئله‌ای نظیر هجرت باز داشته، دل بستن به دنیا است؛ لذا فرمودند: بزرگ‌ترین اشتباه انتخاب

محبت دنیا است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص. ۴۰).

در آموزه‌های اسلامی، تمایل به دنیا منبع همه بدی‌ها معرفی شده است. چنانچه حضرت علی (علیه‌السلام) در کلام خود محبت دنیا را برحذر داشته‌اند؛ «إِطَاكَ وَحِبُّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مَعْدَنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ؛ از دوستی دنیا پرهیز کن که معدن بلاها و اساس گناهان است (تیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۱۴۲). قرآن با تقسیم زندگی به پنج مرحله؛ خردسالی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و کهنسالی (حدید / آیه ۲۰) بر این حقیقت اشاره داشته که انسان در سن پیری به فکر دنیاطلبی و تکاثر می‌افتند که خود هشداری مبنی بر پرهیز از زمینه‌های دنیاطلبی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۴۷). البته منطق قرآنی در مزمت دنیا متوجه جهان خلقت نیست، بلکه تعلق خاطر داشتن به دنیا مورد نکوهش است.

مصادق‌های دل‌بستن به دنیا

قرآن در معرفی دنیاطلبی گاه با بیان مصادیق دنیاطلبی و گاهی با بیان تمثیل، مانند قارون به‌عنوان فردی دنیاطلب که درنهایت با اموالش در زمین فرو رفت (عنکبوت / آیه ۳۹) بشر را متوجه این مسئله و پیامد آن می‌کند؛

الف. دل‌بستگی به نزدیکان: علاقه به زن، فرزند و اطرافیان امری پسندیده و متداول است، طوری که خلق زوج برای انسان از نشانه‌های خداوند در قرآن و از شاخصه‌های ممتاز بین همسران مودت و رحمت یاد شده است: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً؛ و در میان شما دوستی و رحمت قرار داد» (روم / آیه ۲۱)؛ بنابراین محبت به همسر امری ستوده و نشانه‌ای الهی است، منتها امر مورد نکوهش مقدم داشتن محبت زن، فرزند و بستگان بر محبت به خدا و پیامبر است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: زبیر از ما بود تا آنکه پسر نامبارک او عبدالله رشد کرد (شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص. ۴۵۴). زبیر با امام علی (علیه‌السلام) بیعت کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص. ۱۱) و چیزی که سبب جدایی‌اش از اهل‌بیت شد وجود فرزندش عبدالله بود.

از مصادیق مهم دنیاطلبی و مانع هجرت، علاقه افراطی به اموال، همسران و فرزندان است؛ «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ بگو: اگر پدران، فرزندان، برادران، همسران، خاندان‌تان و اموالی که کسب کرده و معامله‌ای که

از کسادیش هراسناکید و منزلی که بدان دلخوشید، نزدتان از خدا، رسول و جهاد راهش محبوب‌تر باشد، پس منتظر بوده تا خداوند فرمانش را بیاورد و او نافرمانان را راهنمایی نمی‌کند» (توبه / آیه ۲۴).

در شأن نزول آیه می‌خوانیم؛ برخی مسلمانان پس از دستور پیامبر مبنی بر هجرت از مکه به مدینه، گفتند ما مأمور به هجرتیم و از رسول خدا اطاعت می‌کنیم، عده‌ای گفتند ما به واسطه علاقه به زن و فرزندانمان هجرت نمی‌کنیم (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص. ۴۵) که مورد خطاب قرار می‌گیرند (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص. ۱۹۶)؛ لذا آیه گویای این مطلب است که اعتماد به دنیا باعث از دست دادن دین و دنیا و اطاعت از خدا موجب بهره‌مندی از دنیا و آخرت خواهد شد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص. ۱۸) و در واقع مفاد آیه ترغیب به هجرت (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص. ۳۹۱) و بیان مصادیقی از دل‌بستگی‌های مانع هجرت همچون بستگان سببی و نسبی، اموال، تجارت‌ها، منازل و... است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص. ۱۸).

ب: دل‌بستگی به مال و عیال: منشأ بسیاری از گناهان و لغزش‌هایی همچون؛ عدم انفاق، احتکار، فرار از جنگ، کم‌فروشی، ترک جهاد و هجرت و ...، علاقه مفرط به مال و فرزند است.

قرآن مال را وسیله امتحان معرفی می‌کند: «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» (انفال / آیه ۲۸). «فتنه» در این موارد به معنی وسیله آزمایش است. در واقع پراهمیت‌ترین وسیله سنجش کفر و ایمان، داشتن شخصیت و میزان ارزش انسان، دو موضوع؛ فرزند و مال است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص. ۱۳۸). قرآن با گفتمان‌های متعدد به فتنه بودن فرزند و مال و احتمال انحراف توسط آن‌ها نظیر: امکان شراکت شیطان در فرزند و مال انسان، زیاده‌خواهی، بازدارندگی مال و فرزند از ذکر خداوند و نجات‌بخش نبودن اموال و اولاد در آخرت، هشدار داده است.

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: از خداوند دوری از فتنه و آزمایش را نخواهد، زیرا همه بدون استثنا دچار آن می‌شوند، بلکه باید دوری از لغزش در آزمایش‌ها از خدا درخواست شود (نهج‌البلاغه، حکمت ۹۳). در تاریخ افراد زیادی با مال آزموده شده و نتوانسته‌اند از امتحان الهی سربلند بیرون آیند. افرادی همچون ثعلبه انصاری که آیاتی ماجرای بخل و علاقه افراطی او به اموال را مطرح می‌کند (ن.ک: توبه / آیه ۵۸).

با صدور فرمان هجرت، برخی به دلیل دل‌بستگی به اموال و حفظ مایملک خود در برابر این امر الهی اطاعت نکردند. لذا آیه «وَ أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ

مَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا؛ و اموالی که به دست آورده‌اید و معامله‌ای که از کسادی‌اش هراسناکید و منازلی که بدان دلخوشید» (توبه / آیه ۲۴). بیانگر این نکته است که در هنگام وجود تعارض میان مصلحت دینی با امور دنیوی، بر مسلمانان لازم است تا دین خود را بر دنیا مقدم دارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص. ۱۷).

امام علی (علیه‌السلام) به اصحابشان فرمودند: زمانی که مشکلی برایتان رخ داد که می‌توان آن را با مال دفع کرد، اموال خود را فدای جان کنید و هنگامی که مشکلی برایتان پیش آمد که موجب تباهی دین شما می‌شد جان را فدای دین کنید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۲۱۶). که اشاره به ترجیح طلب دین بر دنیا دارد؛ زیرا سودمندی مال در دنیا و منفعت دین در آخرت است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص. ۱۰۸).

بنابراین اقتضای نزول آیه مانعیت محبت به موارد فوق در هجرت مسلمین است (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص. ۱۹۶) که در انتهای آیه، به دل‌باختگان دنیا هشدار داده است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۰، ص. ۵۷)؛ «فَتَرَبَّصُّوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللّٰهُ بِأَمْرِهِ وَ اللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه / آیه ۲۴). تربص به معنای انتظار کشیدن است، مثل انتظار برای گرانی یا فراوانی متاع یا حصول و زوال امری که محل انتظار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۳۳)؛ لذا معنا آن است که منتظر عواقب برگزیدن محبت خاندان و اموال نسبت به محبت خداوند و رسولش باشید (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۰، ص. ۵۷). که سبب عقوبت الهی یا آسیبی به اسلام و خروج آنها از زی عبودیت و فسق است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص. ۲۰۸). همان‌طور که در آیات دیگری بدان هشدار داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ ای ایمان‌آوردگان! درحقیقت برخی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند، پس نسبت بدان‌ها بیمناک باشید؛ و اگر ببخشید و گذر کنید و ببامرزید، پس همانا خداوند بسیار بخشنده مهربان است» (تغابن / آیه ۱۴).

۵-۱-۳. راحت‌طلبی

مشکلات به‌وجود آمده برای بشر محصول عمل خود اوست؛ مثلاً فقر مولود ناتوانی، راحت‌طلبی، کسالت و تنبلی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۸۶). انسان گرایش به راحت‌طلبی دارد و تلاش دارد تا با آسایش و بدون زحمت خواسته‌هایش را برآورده کند، حال آنکه خدای تعالی می‌فرماید؛ «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و برای انسان

امری به جز کوشش وی نیست» (نجم / آیه ۳۹)؛ لذا انسان با تلاش و پشتکار خود به کمالات مادی و معنوی می‌رسد.

هجرت حرکتی مانا و پویا است و هر حرکت فعال با تعب و رنج همراه است و شخص مهاجرت‌کننده با قبول رنج‌ها، این حرکت الهی را عملی می‌سازد؛ «لَفَدْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ؛ که یقیناً انسان را در مشقت و رنج آفریدیم (بلد / آیه ۴). «كَبَدٌ» از نظر لغوی به معنی تحمل مشقت است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص. ۱۱۵) و آیه پاسخ قسم است. از نظر علامه طباطبایی متضمن بودن خلقت انسان، بر نامایمات و رنج در شئون حیات انسان، امریست که بر انسان خردمند پنهان نیست و انسان در مسیر کسب هر نعمت، مضاف بر حادثه‌های روزگار، قرین سختی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص. ۲۹۱).

راحت‌طلبی و تن‌پروری از مشکلات عمده یک جامعه است که در متون دینی به‌شدت نکوهش شده است؛ امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در کلامی یکی از علل عدم تبری یارانش را، پیشه گرفتن در هجرت معرفی کرده که مانعی نتوانست او را از این حرکت مقدس بازدارد؛ «سَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَالْهِجْرَةِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۶). احتجاج حضرت در این خطبه بر اصحاب با هجرت، بیانگر جایگاه رفیع هجرت است. از نمونه‌های قرآنی راحت‌طلبی مانع هجرت، ماجرای جنگ تبوک است که عده‌ای از مسلمانان از دستور رسول خدا تخلف کرده و در جنگ حاضر نشدند و خداوند عامل تخلف آنان و عدم حضورشان در جنگ را راحت‌طلبی معرفی می‌کند: «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛ جا ماندگان، به دلیل مخالفت با فرستاده خداوند (در جنگ تبوک)، به خانه نشینی خود خشنود شدند و از جهاد با مال و جان خود، در راه خداوند، ناخشنود بودند و گفتند: در این حرارت، بسیج نشوید. به آنان بگو: آتش جهنم گرم‌تر است. اگر آنان عمیقاً می‌فهمیدند» (توبه / آیه ۸۱).

در مورد «مُخَلَّفُونَ» یک احتمال آنکه، عده‌ای برای عدم حضور در جهاد از پیامبر اذن گرفتند و پیامبر که از فساد آنان در جنگ آگاه بود، موافقت کردند؛ لذا این افراد مخلفین بودند نه متخلفین (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص. ۱۱۳)، همچنین کسانی بودند که راحت‌طلبی و نفاقشان، آنان را از حضور در جنگ بازداشت (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۲۹۶) در دو فرض مذکور، علت ترک جهاد راحت‌طلبی ایشان بود (ابن عجینه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۴۱۱). نیز مراد از «مقعد» کنایه از هجرت نکردن به

جهاد است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص. ۳۵۸)، «خِلاف» مفعول له و تبیین کننده علت فرح است؛ یعنی دلیل خرسندی منافقین، مخالفت کردن با پیامبر در ترک مجاهدت با مال و جان به دلیل راحت طلبی است (حقی بروسوی، بی تا، ج ۳، ص. ۴۷۵) که گرمی هوا را توجیهی برای خویش قرار دادند؛ لذا خدای تعالی می فرماید: «لَوْلَا نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (توبه / آیه ۸۱). لذا می توان از تن پروری، کسالت و راحت طلبی را از موانع هجرت برشمرد که باعث می شود انسان در شرایطی مثل جهاد، رسول خدا را تنها گذارده و با توجیهاتی فرار از ادای تکلیف را توجیه کند.

۵-۱-۴. فقدان هزینه زندگی

از موانع هجرت سختی هایی از قبیل فقدان هزینه های معیشتی، خوف گرفتاری به فقر، غربت و ترک وطن است. طبیعی است که رها کردن وطن و رهسپار هجرت شدن، بدون آگاهی از پناهگاه از دشواری های هجرت است. قرآن پس از بیان موضع گیری های مشرکان در برابر مسلمانان، وظیفه مسلمانان را در هجرت تعریف کرده است (عنکبوت / آیه ۵۶) و به بیان نمونه ای از موانع هجرت و پاسخ آن می پردازد.

از نیازهای اولیه انسان برخوردار بودن از معیشت سالم و تأمین خوراک، پوشاک و مسکن و نیز بی نیازی از دیگران است. با توجه به آنکه نیازمندی های مهاجر و نوع تأمین او در مسیر هجرت شفاف نیست، افراد تن به سختی های محتمل نداده و هجرت نمی کنند؛ لذا برخی مؤمنان پس مأموریت به هجرت (مکه به مدینه) نسبت به منطقه ای مورد هجرت که زاد و راحله ای برای معیشت و کاشانه ای برای سکونت نداشته، اظهار ابهام داشتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص. ۴۵۵) که خداوند در پاسخ می فرماید: «وَكَايْنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و چه بسیار موجوداتی که روزی خود را حمل نکرده جز آنکه خداوند آنان و شما را روزی داده و او شنوای دانا است» (عنکبوت / آیه ۶۰).

با توجه به شأن نزول عمده ترین علت استنکاف مسلمانان از هجرت مسئله معیشت آنان بوده است. آسیب شناسی این مطلب را می توان در ایمان نظری (زبان) بر رازقیت الهی، و کفر عملی (توکل بر مخلوق و نه خالق) جستجو کرد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص. ۱۲۳) طوری که به دلیل ترس فقر از انفاق امتناع کرده و به مرحله شح و بخل

می‌رسند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص. ۴۸۱) چنان‌که این ترس حتی به کشتن فرزند در جهالت منجر می‌شد (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص. ۱۵۱)؛ لذا ترس از فقر و نداشتن هزینه‌های جاری زندگی از مشقت‌هایی است که شخص مهاجر آنان به جان می‌خرد که البته این امر بر همگان آسان نبوده و با ایمان و اعتقاد به خدای تعالی این مسیر دشوار هموار می‌شود.

۵-۱-۵. غربت

از خصلت‌های ارزشمند علاقه‌مندی به وطن است (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص. ۹۴) به‌گونه‌ای که آبادانی شهرها درگرو حب وطن ذکر شده است (ابن شعبه حرانی، ۴۰۴ق، ص. ۲۰۷) خروج از زادگاه و پذیرش غربت از موانع هجرت است، طوری که قرآن آن را از تکالیف طاقت‌فرسا معرفی می‌کند: «وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِه لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَنبِيْئًا» و اگر بر ایشان مقرر کرده که خود را کشته یا از خانه‌هایتان خارج شوید، بجز اندکی به آن عمل نمی‌کردند و اگر آنچه را که پند داده شده بودند به‌کار می‌یستند، قطعاً برایشان با ثبات‌تر و بهتر بود» (نساء / آیه ۶۶).

وطن به‌خودی‌خود محبوبیتی ندارد بلکه رها کردن کاشانه‌ای که سال‌ها برای آبادانی آن زحمت‌کشیده، دشوار است. هجرت پیامبر اکرم مصداق این مطلب است که محبت وطن مانعی سخت است که می‌توان بر آن فایق آمد (ن.ک: شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص. ۲۷۱۴). چنان‌که در مسیر هجرت در جحفه جبریل امین آیاتی را بر حضرت عرضه داشتند: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ؛ قطعاً کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به‌سوی بازگشت‌گاه (مکه) بازمی‌گرداند» (قصص / آیه ۷۵) (ن.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص. ۱۸۷). براین‌اساس حبت به زادگاه و وطن از موانعی است که فرد مهاجر با آن مواجه می‌شود؛ بنابراین عده‌ای به جهت عدم بردباری در سختی هجرت، اقدام به هجرت نمی‌کنند، درحالی‌که عده‌ای دیگر به آسانی از وطن خود دل بریده و اقدام به هجرت می‌کنند.

۵-۱-۶. وسوسه‌های شیطان

شیطان به‌عنوان دشمن قسم خورده انسان (اعراف / آیه ۱۶) تلاشش را برای اغوای انسان‌ها به‌کار می‌گیرد و از مسیرهای متعدد درصدد گمراهی انسان است (اعراف / آیه

۱۷) که از جمله آنها ممانعت از هجرت است که از راه‌های متعدد چون وعده دادن به افراد، ایجاد دودلی و دلهره با طرح سؤال‌های گوناگون جهت گمراهی انسان‌ها وارد می‌شود؛ سؤال‌هایی چون آینده خانه و کاشانه، وضعیت همسر و فرزند پس از هجرت. در حدیثی پیامبر گرامی اسلام فرمودند: شیطان سه موقع در مسیر راه انسان به کمین می‌نشیند:

الف. موقع اختیار دین اسلام، با وسوسه دین آباء و اجدادی.

ب. با وسوسه وطن، مسکن و همسر.

ج. وسوسه تلف مال، کشته شدن در جهاد، بیوه شدن همسر، تقسیم دارایی‌ها و ثروت. سپس در پایان فرمودند هر کس (به این وسوسه‌ها اعتنا نکرده) و هجرت کند و بمیرد، بر خدا ثابت است که او را در بهشت داخل کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص. ۴۲). ذکر این موارد از جهت تمثیل و به دلیل اهمیت آنها است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۳۳۵). در واقع محور حدیث، هجرت است، به این علت که هجرت یک‌بار از کفر به اسلام و دیگر بار هجرت با هدف جهاد مطرح شده و در نهایت اصل هجرت را بیان کرده است که در هر یک شیطان با ایجاد سؤال‌های مختلف درصدد ناامیدسازی و بازداشتن انسان‌ها از هجرت است.

۲-۵. راهکارهای حل مسئله در رفع موانع هجرت

پس از تبیین عوامل و موانع بازدارنده از هجرت انسان، در پاسخ به سؤال فرعی دوم پژوهش به بررسی راهکارها و راه‌حل‌های بیان شده در آموزه‌های دینی در خصوص مسئله هجرت پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۵. جلوگیری از مرگ‌هراسی

قرآن در آیات متعددی از مرگ به توفی تعبیر می‌کند. توفی در لغت از «وفی» مشتق شده که به دریافت کامل و اخذ تام معنا شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص. ۱۲۹). عدم توجه به اشتقاق توفی موجب شده تا برخی اهل لغت و مفسران توفی را مشتق شده از فوت تلقی کنند؛ «یا عیسیٰ اِنِّیْ مُتُوِّفِیْکَ» (آل عمران / آیه ۴۷)، حال آنکه در قرآن، متوفی به معنی اماتنه به کار برده نشده است (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۳۲). پس با موت همه حقیقت انسان گرفته می‌شود منتها از بین نمی‌رود، بلکه از گذر این تحوّل جاودانه می‌شود؛ لذا با این شناخت، از مرگ‌هراسی نخواهد داشت.

انسان چه در صورت هجرت یا عدم آن، طعم مرگ را خواهند چشید؛ «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (عنکبوت / آیه ۵۷) همچنان که ذائق طعم امر مذوق را خواهد چشید (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۴۶۱)، اما موت به معنای قطع وابستگی روح از بدن و رها شدن روح است نه موت روح: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (عنکبوت / آیه ۵۷). روح انسان‌ها مرگ را چشیده و در خود هضم خواهد کرد، مثل چشیدن شربت، هضم و جذب آن (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص. ۵۱۲).

قرآن در قبال ناراحتی منافقان مبنی بر دستور جهاد، می‌فرماید؛ «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ؛ مرگ در هر جا باشید به دنبالتان می‌شتابد و روزی شما را در کامش فرو می‌برد، حتی اگر در برج‌های مستحکم باشید» (نساء / آیه ۷۸)، پس چه نیکو که این مرگ قطعی، در مسیری صحیح چون جهاد صورت گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص. ۱۸) و انسان شهید شود که بهترین مرگ‌ها کشته شدن در راه خداست (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۴۰۳).

قرآن در بیان ارزش هجرت و نهراسیدن از مرگ می‌فرماید: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ و هرکس که در راه خدا هجرت کند، در زمین جای گشایشی می‌یابد؛ و هرکس به نیت هجرت به سوی خدا رود و مرگش فرا رسد، یقیناً پاداش او بر خداوند است» (نساء / آیه ۱۰۰). ابهام در اجر و قرار دادنش به‌گونه حق واجب بر خداوند، اعلام موقعیت ویژه اجر و تأییدی بر ثبات آن است و رحمت و غفران متوجه مهاجرانی هست که به‌واسطه برخورداری از ایمان هجرت کردند (مراغی، بی‌تا، ج ۱۵، ص. ۱۳۵). تعبیر «فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» بیانگر آن است که در نزد خدای عزوجل اجری جمیل و ثوابی جزیل برای مهاجراست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص. ۵۳)؛ لذاست که قرآن با تبیین این نکته که حقیقت مرگ نابودی نبوده و حیات ابدی است، مؤمنان را به حرکت پویای هجرت تشویق کرده، طوری که اگر در طی هجرت به لقای الهی نائل آیند، پاداش آنها در نزد خداوند خواهد بود.

۵-۲-۲. پرهیز از دل‌بستگی

قرآن در جهت رفع مانع از راه مهاجران به تبیین علاقه‌های آن‌ها به اموری که مانع از

هجرت شده، پرداخته و می‌فرماید: اگر علاقه به همسران و فرزندان مانع هجرت شود، بدانید که برخی دشمن شمایند و علاقه به دشمن، شما را از دوست باز می‌دارد و اگر علاقه به منزل‌های آن‌چنانی است، خدای تعالی مسکن مهاجران را تأمین می‌کند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، حتماً در جایگاه‌های بلندی از بهشت جای می‌دهیم، که نهرها از زیر درختانش روان است، درحالی‌که در آنجا ماندگارند» (عنکبوت / آیه ۵۸). در حقیقت افرادی که به خاطر اهداف مقدس هجرت، از امور مورد علاقه خود و حتی محبت‌های حلال دل‌کنند، خداوند در ازای آن مسکن آخرتشان را تأمین می‌کند؛ لذا بهانه‌ای را برای ترک هجرت باقی نمی‌گذارد.

۵-۲-۳. دوری از راحت‌طلبی

افراد پیرو تن‌پروری باید از این باور برخوردار شوند که خدای تعالی قسم یاد فرموده که انسان را در مشقت و رنج آفریده است (نجم / آیه ۳۹) به طوری که غرض در سوره بلد زندگی توأمان انسان با رنج است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۳۰، ص. ۳۰۹) ضمن آنکه دنیا مزرعه آخرت بوده و انسان بدون زراعت و کشت نمی‌تواند برداشتی داشته باشد؛ بنابراین آنچه انسان را تن‌پرور می‌کند، نرسیدن به این اعتقاد است که کسب گنج منوط به رنج است، لذا جهت رسیدن به این باور، قسم خداوند بر رنجور بودن انسان راه‌گشا است؛ بنابراین قرآن انسان را به رنجور بودن و ترغیب به عمل صالح و رهایی از راحت‌طلبی متنبه ساخته است (مراغی، بی‌تا، ج ۳۰، ص. ۱۵۷). براین‌اساس و به‌عنوان مثال افرادی که در جنگ تبوک مشارکت نداشته و از چنین باوری بی‌بهره بودند بدین نکته مطلع ساخته و هشدار می‌دهد که گرمی جهنم از تابستان شدیدتر است.

۵-۲-۴. کاهش نگرانی هزینه

قرآن به جهت تأمین نظر مسلمین و بر طرف ساختن ترس آنان از مشکلات هجرت نظیر: ترس از تنگدستی و فقر، علاوه بر اصلاح تفکر ایشان نسبت به رازقیت خدای تعالی به بیان الگو نیز پرداخته است:

الف. اصلاح ساختار فکری مهاجرین

عمدتاً مشکلی که باعث شد مسلمانان از تأمین معاش خود در مسیر هجرت هراس داشته باشند، تصور این مطلب بود که چنانچه در وطن خود بمانند رزقشان تأمین و در

صورت هجرت دچار مشکل خواهند شد. خدای متعال در جهت اصلاح این تفکر می‌فرماید: «وَكَايُنُ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت / آیه ۶۰). این مفهوم در وجهی دیگر نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود / آیه ۶).

دابه در لغت مشتق از دباب به معنی حرکت خفیف است که در حیوان و بیشتر در حشرات استعمال می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۰۶) و در اصطلاح به معنی موجود زنده دارای جنبش است. با توجه به آیه شریفه؛ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ» و استعانت از قاعده مفید عموم بودن نکره در سیاق نفی، دابه مختص حیوان نیست، بلکه شامل انسان و حیوان می‌شود، گرچه عرفاً، در نوعی از حیوانات مثل جوجه استعمال می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص. ۲۱۷) و به قرینه آنکه سیاق درصدد بیان وسعت علم خداوند نسبت به موجودات در همه حالت‌ها است، مراد عموم انسان‌ها و حیوانات است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۱۴۸).

«کأین» در آیه شریفه برای تکثیر و حمل رزق هم به معنی ذخیره کردن آن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۱۴۵). آیه اشاره دارد که انسان و سایر موجودها نیازمند رزق هستند و با زبان خداوند را خواننده و او نیز آگاه و شنوا به خواسته‌های آنان است؛ بنابراین دو وصف علیم و سمیع اقتضا دارد که خداوند تأمین‌کننده روزی انسان‌ها باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص. ۱۴۶)، پس عبارت «عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» بر وجوب رزق بر خدا دلالت دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۱۴۹) و مشتمل بر این نکات است که؛ تقدیم «عَلَى اللَّهِ» بر متعلقش یعنی «رِزْقُهَا» افاده‌کننده حصر است که رزق جنبندگان تنها بر خداست، دیگر آنکه ترکیب «عَلَى اللَّهِ» و «رِزْقُهَا» بیانگر تکفل خداوند در روزی و عدم اهمال است؛ زیرا «علی» در آیه دلالت بر لزوم و ثبوت می‌کند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۱، ص. ۲۰۸). بنابراین تبیین رزق پس از بیان مسئله هجرت، به جهت آن است که واهمه از فقر و امور اقتصادی، موجب پرهیز مسلمانان از هجرت شود و تضمین شدن روزی ایشان دلگرمی بر این موضوع است؛ لذا قرآن بایبان تمثیل هجرت مسلمانان به مهاجرت پرندگان در به همراه نداشتن مواد خوراکی، به مسلمانان تذکر می‌دهد که خدای رازق پرندگان همان خدای گروه مهاجر است.

ب. اصحاب صغه نماد مقاومت

حدود چهارصد نفر از مهاجرین (مکه به مدینه) را اصحاب صغه می‌گفتند که در شهر مدینه خویشاوند و منزلی نداشته و به علت‌هایی مانند: فقدان خویشان، هزینه‌های زندگی و فقر در مسجد مستقر شده بودند؛ لذا قرآن در آیاتی مسلمین را تشویق به انفاق کرده و فقراء را از موارد مصرف صدقه معرفی کرده است (توبه / آیه ۶۰) و با توجه به شأن نزول آیه مقصود اصحاب صغه بودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص. ۶۶۶). قرآن ضمن توصیه به کمک به ایشان، بر عزت نفس آنان نیز تأکید دارد: «لَقُرَّاءَ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْئَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ بخشش شما برای نیازمندیانی است که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ درحالی که نمی‌توانند در زمین سفر کنند و به دلیل آبرومندی، افراد غیرآگاه، آنان را توانگر می‌پنداشتند، اما آنها را از چهره‌شان می‌شناسی، که با اصرار از مردم درخواستی نمی‌کنند و خداوند به آنچه انفاق می‌کنید، آگاه است» (بقره / آیه ۲۷۳).

آیه ویژگی‌هایی برای اصحاب صغه بیان داشته است، از جمله: الف) محصور بودن یعنی به دلیل اشتغال به جهاد در راه خدا، نبرد با دشمن، آموختن فنون جنگ، تحصیل علم‌های لازم دیگر از کوشش جهت تأمین هزینه بازمانده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص. ۳۵۶)؛ ب) عدم توانایی بر تجارت و کسب؛ ج) آبرومندی و عفت، عدم درخواست کمک و دارای علامت (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص. ۶۷) که بیانگر نهایت عزتمندیشان است، بنابراین با توجه به آنکه مشقت تأمین مسکن (به‌عنوان ضروری زندگی) مانع هجرت آنان نشد، قرآن واگذارکننده مسکن به ایشان را از رستگاران می‌داند: «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و کسانی که پیش از آن در سرای و ایمان جای گرفته بودند، هرکس به‌سوی آنان هجرت کرده دوست داشته و در دل‌هایشان نسبت به آنچه که به مهاجر داده شده، نیازی نیافته و مهاجرین را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه نیازمند باشند؛ و هرکس خود را از آزمندی نگه دارد، آنان رستگارانند» (حشر / آیه ۹)، چنانچه اطعام یکی از بینوایان صغه توسط یک انصاری که دخترش به غذای به غذای شب محتاج بود به فرموده پیامبر باعث شگفتی اهل آسمان‌ها گردید (واحدی،

۱۴۱۱ق، ص. ۴۳۹). براین اساس هجرت بدون همراه داشتن توشه و معاش عزتمندانه همچون اصحاب صفة امکانپذیر است؛ لذا اینان می‌توانند الگوی مهاجران دیگر در رفع مانع خوف از تأمین معاش باشند.

۵-۲-۵. مدیریت مسئله غربت

قرآن با معرفی پیامبر گرامی اسلام به‌عنوان الگویی از هجرت که محبت به وطن مانع هجرت او نشد به اصلاح تفکر اعتقادی مهاجران پرداخته که خدای متعال آنان را به سرزمین وسیع و گشایش در امور نوید داده است: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِعًا كَثِيرًا وَسَعَةً؛ و هرکس که در راه خدا هجرت کند، در زمین مکان‌های [آمن] فراوان و گشایشی خواهد یافت» (نساء / آیه ۱۰۰)؛ «مراغم» مفرد و اسم مکان «رغام» به‌معنی خاک نرم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۵۹) و اراضی مُرَافِعَة به معنی سرزمین‌های آمن و مطمئنی است که موافق زندگی متناسب با حیات انسان‌اند و مقصود از آن در آیه سرزمینی است که خدای منان آن را به مهاجران فی سبیل‌الله وعده داده است، بنابراین اگر فردی در سرزمین خودش فاقد آرامش باشد و تکالیف دینی‌اش را نتواند انجام دهد باید هجرت کند و خدای تعالی به وی دو امر را عطا می‌کند؛ مکان و مسکن مناسب برای زندگی و کشاورزی (مُرَافِعًا كَثِيرًا) و گشایش در کارها (وَسَعَةً) و با تحقق این وعده از فشارهای روحی و روانی خارج می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲۰، ص. ۲۵۱). پس ترک وطن و غربت، از جمله موانع هجرت محسوب می‌گردد که در قرآن ضمن تأکید بر رازقیت خداوند متعال، وسعت معیشت مهاجران و تأمین مسکن آنها، از هجرت رسول اکرم از مکه و موطن خود، به‌عنوان نمونه‌ای از مهاجرت ویژه یاد کرده است.

۵-۲-۶. مقابله با وسوسه

قرآن به جهت صیانت انسان از وسوسه شیطان، پناه بردن به حفاظ‌های محکم را به‌عنوان راه رفع این مانع معرفی کرده است: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و اگر وسوسه‌ای شیطانی تحریک کرد، پس به خداوند پناه ببر؛ که او شنوای دانا است» (اعراف / آیه ۲۰۰). واژه استعاذه از نظر لغوی مصدر باب استفعال و به معنای التجاء و پناه به چیزی برای دفع مکروه است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۸، ص.

۴۰۲)، «نزغ» همان وسوسه است که آغاز راه اضلال است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص. ۵۱۲) که پناه بردن انسان در لحظه وسوسه شیطان، به دژی محکم بسیار مهم است، که طبق روایات حصون محکم دو امر معرفی شده است:

الف) توحید: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (فصلت / آیه ۳۶)، به دلیل آنکه شیطان در حصن الهی یعنی توحید راهی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص. ۵۱۲)، بر این مبنا توحید اصیل برای هر موحد به منزله دژی مستحکم است که نگهبان آن خدای قادر متعال است؛ چنان که در روایت «کلمة لا إله إلا الله حصنی» هر متحصنی با ورود در حصن حصین الله، از آسیب وسوسه در امان خواهد ماند (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص. ۲۰۵).

ب) ولایت: علاوه بر موحد بودن، پذیرش ولایت اهل بیت جهت در امان بودن از نفوذ شیطان بسیار مهم است. با پذیرش اهل بیت زندگی موحدانه بوده و در زمان انجام هجرت، شیطان در او نفوذی ندارد. لذا وسوسه‌های شیطان از موانع مهاجر و راه دفع آن موحد بودن و تمسک به ولایت اهل بیت است.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت هجرت از مهمترین آموزه‌های دینی از بدو تاریخ در وجود انسان‌ها و سایر موجودات نهادینه شده که به معنی متارکت و کوچ به سرزمین دیگر است که گاه توأم با قصد قربت است. هجرت در آموزه‌های دینی به‌عنوان دستوری سازنده در بیش از ۱۴ آیه قرآن و روایت‌های گوناگون به بیان‌های مختلف مطرح شده است. در حوزه موانع هجرت می‌توان به مواردی چون؛ ترس از مرگ، دل‌بستگی به دنیا (اطرفیان؛ مال و عیال)، راحت‌طلبی، فقدان هزینه زندگی، غربت، وسوسه‌های شیطانی اشاره کرد که با استناد و اعمال راهکارها و پیشنهادهای دینی در حوزه‌هایی مرتبط با هر یک همچون؛ جلوگیری از مرگ‌هراسی، پرهیز از دل‌بستگی، دوری از راحت‌طلبی، کاهش نگرانی هزینه، مدیریت مسئله غربت و مقابله با وسوسه به‌عنوان راهبردهای کلیدی قابل پیشگیری و مرتفع‌سازی هستند.

بررسی و پیشنهاد

به‌نظر می‌رسد که ما با ماثبتهت هجرت و الگوی شکوفاسازی و پیشرفت در مصادیق متعدد مواجه هستیم. در واقع قرآن هجرت را داری اهداف متعددی می‌داند که هر

یک می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه به‌شمار آمده و سیر تاریخی نیز مؤید همین مطلب است:

الف) فراگیری دانش: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...؛ شایسته نیست مؤمنان همگی (به جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی یابد و هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهد؟» (توبه / آیه ۱۲۲). در روایات جهت کسب علم، حتی هجرت به نقاط دوردست توصیه شده است. پیامبر اکرم فرمودند: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ علم کسب کنید گرچه در چین باشد» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص. ۱۴). در این نوع هجرت هزاران ملک طالب علم را همراهی می‌کنند، همان‌طور که پیامبر فرمودند: کسی که از خانه‌اش برای کسب علم خارج شود، هفتاد هزار ملک او را بدرقه می‌کنند و برایش استغفار می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص. ۱۷۰).

ب) هجرت برای حفظ دین؛ پیامبر اکرم فرمودند: «مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شَيْبًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ؛ کسی که برای حفظ دین و آئین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر هجرت کند، مستحق بهشت است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص. ۳۱).

ج) هجرت از ظالمان: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً؛ آنها که بدیشان ستم شد و در راه خدا مهاجرت کردند، جایگاه پاکی در دنیا به ایشان خواهیم داد (نحل / آیه ۴۱).

د) هجرت از معصیت (هجرت درونی): روح هجرت مقدس فرار از ظلمات به سوی نور، و از عصیان به اطاعت خداوند است. امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَيَقُولُ الرَّجُلُ هَاجَرْتُ وَلَمْ يَهَاجِرْ إِنَّمَا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يَأْتُوا بِهَا؛ کسی می‌گوید مهاجرت کردم درحالی که مهاجرت واقعی نکرده است، مهاجران آنها هستند که از گناهان هجرت کنند و مرتکب آن نشوند (قمی، ۱۳۴۴ق، ماده هجر).

ه) هجرت به‌سوی خدا: در قرآن از زبان حضرت ابراهیم یا حضرت لوط (علیه‌السلام) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص. ۲۳۹) می‌خوانیم: «وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ و گفت: من به‌سوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او عزیز و حکیم است» (عنکبوت / آیه ۲۶). احتمال دارد که منظور از هجرت از انواع قبلی بوده یا منظور ظاهر آیه باشد؛ یعنی مهاجرت به سمت خداوند جهت وصول به مقام نبوت یا

بالاتر (فیض کاشانی، بی تا، ج ۴، ص. ۱۱۵) و آیه؛ «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَهَّدِينَ» (صافات / آیه ۹۹) می‌تواند شاهد این مطلب باشد.

هجرت در قالب‌های مختلف خود و در محور دینی و اسلامی، از جنبه شکوفاسازی دارای آثار و فواید ثمربخش متعددی همچون؛ راهبرد بهره‌گیری از فرصت‌ها، روش مبارزه با تهدیدها، بزرگ‌ترین سازوکار کسب قدرت، مکانیزم ظرفیت‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و... است. در واقع با هجرت بسیاری از بن‌بست‌ها، انسدادها، تصلب‌ها شکسته شده و افراد از قفس تنگ زمین، شرایط دشوار، غل و زنجیرهای بسته شده زمانه بر پای انسان خدایی رها می‌شوند (رساله فکری تحلیلی حوزه و روحانیت، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۳۴۵). براین اساس هجرت رابطه عمیقی با توسعه و پیشرفت دارد؛ زیرا به‌وجود آمدن آنها از ثمرات اجتماعی مهاجرت است؛ بنابراین در فرهنگ اسلامی، هجرت به‌معنای پشت کردن به جاهلیت و بدویت و روی کردن به مدنیت است. پس مهم‌ترین اثر اجتماعی هجرت رسول خدا، گسترش اسلام، تبلیغ، امنیت دینی اجتماعی و متمرکز شدن نظام سیاسی اسلام بود که به‌واسطه آن شالوده پیشرفتی بنا شد که به‌عنوان بزرگ‌ترین شکوفایی تاریخ بشر شناخته می‌شود (ن.ک: عبدالله‌زاده آرانی، ۱۳۸۷) که از مصادیق آن قانون پیامبر و رفتار آن حضرت به عدل و احسان برای همه ملت‌ها بود که وسیله‌ای برای رحمت و پایگاه برای توسعه اسلامی بود (ن.ک: عاملی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص. ۱۹۱۹). همچنین گذشته از اصول معارف، راهکارهای عملی اسلام بر دو محور؛ نماز و زکات می‌تواند به‌عنوان دو رکن چرخه توسعه اسلامی به‌شمار آید؛ زیرا با نماز مقام عبودیت که جوهر و لب معرفت است تحقق یافته و با زکات و انفاق مال، پیشرفت جامعه بشری که مقدمه کسب سعادت و فضیلت است منتظم می‌شود (ن.ک: بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص. ۴۱۶)، بر اساس این‌گونه مبانی، تأمین سعادت انسان‌ها و رهایی از گرفتاری‌های زمانه، جز با توسل به آموزه‌های وحیانی، پیروی از انبیاء و تقویت ایمان میسر نبوده و امتیاز پیشرفت و توسعه اسلامی بر پیشرفت غرب در این امر است (ن.ک: شریعتی، ۱۳۴۶، ص. ۲۵۶).

فهرست منابع

قرآن کریم.

ألوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن أبی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم)*. قم: جامعه مدرسین.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل أبی طالب (عليه السلام)*. قم: نشر علامه.

ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). *التحریر و التنویر*. بی جا: بی نا.

ابن عجیبه، احمد (۱۴۱۹ق). *البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید*. قاهره: حسن عباس زکی.

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفکر.

اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۴۲۰ق). *البحر المحيط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان مسلمان.

بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد بعثت.

بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار احیاء التراث.

بیاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). *هدایت در قرآن*. محقق علی عباسیان، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تسنیم*. محقق علی اسلامی، قم: اسراء.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه*. محقق عباس رحیمیان، قم: اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن (بی تا). *وسائل الشیعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دارالفکر.
- دانشنامه اسلامی: <https://wiki.ahlolbait.com>
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم الدار الشامیه.
- رسانه فکری تحلیلی حوزه و روحانیت (۱۳۹۶). *هجرت؛ بزرگ‌ترین راهبرد تمدن‌سازی اسلامی، محسن مهاجرنیا، کد خبر: <https://mobahasat.ir>*
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل*. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (بی تا). *الشماریخ فی علم التاریخ*. تحقیق محمدبن ابراهیم الشیبانی، کویت: الدار السلفیه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.
- شریعتی، محمدتقی (۱۳۴۶). *تفسیر نوین*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق). *خصائص الأئمة (علیه السلام)*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الكتاب.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، ابن جریر (۱۴۰۸ق). *تاریخ طبری*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). *تفسیر عاملی*. تهران: انتشارات صدوق.

عبدالله‌زاده آرانی، رحمت‌اله (۱۳۸۷). هجرت و اثرات اجتماعی آن از دیدگاه اسلام. (پایان‌نامه ارشد الهیات و معارف اسلامی). تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۲ق). تفسیر نور الثقلین. قم: انتشارات اسماعیلیان.

فخر رازی، محمد بن عمر (۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

فیض کاشانی، ملامحسن (بی‌تا). تفسیر الصافی. بیروت: مؤسسه الاعلمی.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: مؤسسه دار الهجرة.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۶ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). الجامع لأحكام القرآن. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.

قمی، عباس (۱۳۴۴ق). سفینه البحار. تهران: دار الاسوه.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم: دار الکتب.

کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. قم: دارالذخائر.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مازندرانی، محمدصالح (۱۳۸۲). شرح الکافی - الأصول والروضه. تهران: مکتبه الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. تهران: المکتبه الاسلامیه.

مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبى الحسين (علیه‌السلام).

مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.

واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ق). *اسباب النزول القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
یعقوبی، ابن واضح (۱۳۶۲). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه ابراهیم آیتی، بی جا: انتشارات علمی.

References

Holy Quran.

- Abdollahzadeh Arani, Rahmatullah (1387). *Hijrah and Social Effects of the Advancement of Islam (The Statement of the Arshad of Islamic Studies and Knowledge)*, Tehran, Daneshgah Imam Sadiq (PBUH). (In Persian)
- Alousi Sayed Mahmoud (1415). *The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an*, Beirut, Dar Al-Kutub Al-Alamiyyah. (in Arabic)
- Amly, Ibrahim (1360). *Amly's interpretation*, Tehran, Sadouq publications. (In Arabic)
- Andalusi Abu Hayyan Muhammad Ibn Yusuf (1420). *Al-Bahr Al-Muheet fi Al-Tafsir*, Beirut, Dar Al-Fikr. (In Arabic)
- Arousi Hawizi, Abd Ali bin Juma'a (1412). s., *Interpretation of Noor al-Thaqlain*, Qom, Ismailian publications. (In Arabic)
- Balaghy Najafi Muhammad Jawad (1420). *Alaa al-Rahman in the interpretation of the Qur'an*, Qom, Baniad Ba'ath. (In Persian)
- Balkhi, Muqatil bin Suleiman (1423). *interpretation of Muqatil bin Suleiman*, Beirut, Dar Ihya al-Turath. (In Arabic)
- Banavi Isfahani, Sayedeh Nosrat Amin (1361). *Store of Irfan in Interpretation of the Qur'an*, Tehran, Nahdat Zanan Muslim. (In Persian)
- Baydawi, Abdullah bin Omar (1418). *Lights of Revelation and Secrets of Interpretation*, Beirut, Dar Revival of Arab Heritage. (In Arabic)
- Fakhr al-Din Razi Abu Abdullah Muhammad ibn Omar (1420). *Keys to the Unseen*, Beirut, Dar Revival of Arab Heritage. (In Arabic)
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1409). *Book of Al-Ain*, Qom, published by Hijrat. (In Arabic)
- Fayd Kashani, Mulla Mohsen (1416). s., *Tafsir al-Safi*, Tehran, Al-Sadr Library. (In Arabic)
- Fayd Kashani, *Tafsir al-Safi*, Beirut, Al-Alamy Institute. (In Arabic).
- Fayoumi, Ahmed bin Muhammad (1414). *Al-Misbah Al-Munir in Gharib Al-Sharh Al-Kabeer*, Qom, Dar Al-Hijrah Institute. (In Arabic)
- Haqqi Brosoy Ismail, *Interpretation of the Spirit of the Statement*, Beirut, Dar Al-Fikr, Beta. (In Arabic)
- Hurr Ameli, Beta, *Wasa'il Al-Shia*, Beirut: The Arab Heritage Revival House. (In Arabic)
- Ibn Abi Al-Hadid, Abd Al-Hamid (1404). *Explanation of Nahj Al-Balaghah*, Qom, Ayatollah Marashi Al-Najafi Library. (In Arabic)
- Ibn Ajiba, Ahmed bin Muhammad (1419). *The Long Sea in the*

- Interpretation of the Glorious Qur'an, Cairo, Hassan Abbas Zaki. (In Arabic)
- Ibn Ashour Muhammad bin Taher, House of Tahrir and Tanweer, Bina, Beja. (In Arabic)
- Ibn Atheer, Mubarak bin Muhammad (1367). The End in Gharib Al-Hadith and Athar, Qom, Instituted by Ismaili Publications. (In Arabic)
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali (1413). Man Lahdharah al-Faqih, Qom, Islamic Publications Book. (In Arabic)
- Ibn Duraid, Muhammad bin Hassan (1988). Jamharat al-Lughah, Beirut, Dar al-Ilm. (In Arabic)
- Ibn Faris, Ahmad bin Faris (1404). Dictionary of Language Standards, Qom, Islamic Information Office. (In Arabic)
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram (1414). Lisan al-Arab, Beirut, Dar al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn Shahr Ashub Mazandrani, Muhammad bin Ali (1379). Virtues of the Abi Talib family (pbuh), Qom, Alama published. (In Arabic)
- Ibn Shu'bah Harrani, Hasan bin Ali (1404). Tuhfat al-'Uqol on the Family of the Messenger (PBUH) Qom, Publications of the Teachers' University. (In Arabic)
- Ibn Shu'bah Harrani, Hassan Ibn Ali (1404). Tuhf al-'Uqul on the Family of the Messenger (PBUH), Qom, University of Teachers. (In Arabic)
- Islamic danchnameh; <https://wiki.ahlolbait.com> (In Persian)
- Javadi Aqli, Abdullah (1382). Hedayat in the Qur'an, edited by Ali Abbassian, Qom, Israa. (In Persian)
- Javadi Aqli, Abdullah (1388). Tasnim, investigator, Ali Islami, Qom, Israa. (In Persian)
- Javadi Aqli, Abdullah (1389). Dunyanas and Duniyagravi in Nahj al-Balagha, edited by Abbas Rahimian, Qom Israa. (In Persian)
- Karajki, Muhammad bin Ali (1410). Treasure of Benefits, Qom, Dar Al-Dakher. (In Arabic)
- Killini, Muhammad Ibn Yaqoub (1407). Al-Kafi, Tehran, Dar Al-Kutub Al-Islamiyya. (In Arabic)
- Majlis, Muhammad Baqer (1403). BC, Bihar al-Anwar, Tehran, Islamic Library. (In Arabic)
- Mazandrani, Muhammad Salih (1382). Explanation of Al-Kafi - Al-Usul wa Al-Rawdah, Tehran, Islamic Library. (In Arabic)
- Qomi, Ali Bin Ibrahim (1367). Qomi's interpretation, Qom, Dar Al-Kitab. (In Arabic)
- Qurtubi Muhammad bin Ahmad (1364). The Collector of the Rulings of the Qur'an, Tehran, Nasir Khosrow publications. (In Arabic)
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmed (1405). BC, The Comprehensive Rulings of the Qur'an, Beirut, Arab History Foundation. (In Arabic)
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad (1412). Vocabulary of the Qur'an, Beirut, Dar Al-Qalam, Dar Al-Shamiya. (In Arabic)
- Rasana Fikri, Analytical, Hawza and Spirituality; <https://mobahesat.ir> (In Persian)

- Analytical intellectual media of the domain and clergy (1396):
<https://mobahehat.ir>; Mohsen Mohajernia, Hijrat; The greatest strategy of Islamic civilization, news code: 15345. (In persian)
- Sahib bin Abbad, Ismail bin Abbad (1414). Al-Muheet fi al-Lughah, Beirut, The Book World. (In Arabic)
- Shariati, Muhammad Taqi (1346). Tafsir Novin, Tehran, Sehami Inthar. (In Persian)
- Sharif Al-Razi, Muhammad bin Hussain (1406). Characteristics of the Imams (pbuh), Mashhad, Astan Quds Radwa. (In Arabic)
- Shazly, Sayed bin Qutb (1412). In the Shadows of the Qur'an, Beirut, Dar Al-Shorouk. (In Arabic)
- Sheikh Abbas Qomi (1344). AH, Safinat al-Bahar, Tehran, Dar al-Aswa. (In Arabic)
- Suyuti Jalal al-Din (1404). al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Mathur, Qom, book betrayed by Ayatollah Marashi Najafi. (In Arabic)
- Suyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, Beta al-Shamarekh in the science of history, investigation by Muhammad bin Ibrahim al-Shaibani, Kuwait, the Salafi House. (In Arabic)
- Tabari, Ibn Jarir (1408). BC, Tabari's History, Beirut, Dar al-Kutub al-'Alamiyyah. (In Arabic)
- Tabari, Muhammad bin Jarir (1375). Tabari's history, translated by Abu al-Qasim Payandeh, Tehran, Asateer publication. (In Arabic)
- Tabarsi, Fadl bin Hassan (1372). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Nasir Khosrow Publications. (In Arabic)
- Tabatabaei, Syed Muhammad Hussain (1417). Al-Mizan in the Interpretation of the Qur'an, Qom, Islamic Publications Book. (In Arabic)
- Tamimi Amadi, Abd al-Wahed (1366). classification of Gharar al-Hakam and Durar al-Kalam, Qom, Islamic Tabligat Book. (In Arabic)
- Tusi Muhammad bin Hassan, Beta al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar Revival of Arab Heritage. (In Arabic)
- Tusi, Muhammad bin Al-Hassan (1414). Al-Amali, Qom, Dar Al-Thaqafa. (In Arabic)
- Zamakhshari Mahmoud (1407). The Exploration of the Realities of the Mysteries of Downloading and the Eyes of Sayings in the Faces of Interpretation, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Arabi. (In Arabic)